

جهاد کیفیت در توسعه علمی



محمد جواد لاریجانی
رئیس مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات

۱. برای بسواد کردن توده‌ها و افزایش سطح دانش مردم، دلایل اخلاقی فراوانی وجود دارد. اما این دلایل به هنگام تصمیم‌گیری برای تخصیص بودجه و امکانات کشور غالباً نمی‌توانند توجه سیاستمداران را به خود جلب کنند و 'اولویت' مورد انتظار علما را القا نمایند. این پدیده اختصاصاً به ایران ندارد، بلکه وضعیت در همه کشورهای از این نظر تقریباً مشابه است. لیکن، هنگامی که نقش علم در توسعه کشور مطرح می‌شود، برای سیاستمداران معیار اولویتهای روشن می‌گردد و در اینجا است که باید مسئله توسعه علمی را جدا از ارزش اخلاقی و بعد صرفاً (و بلافاصله) معنوی مطرح کنیم: با توجه به وضعیت کنونی و نیازهای ما، امکانات ملی ما باید تا چه اندازه و به چه نحو به امر توسعه علمی اختصاص یابد؟ این سؤال اساسی برای دولتمردان تصمیم‌گیرنده در اداره کشور است.

۲. در چهار سال گذشته دولت برای ایجاد امکانات تحصیل دانشگاهی تلاش چشمگیری کرده است و این امر در تأسیس دانشگاهها در نقاط مختلف کشور و در افزایش میزان پذیرش دانشجویان کاملاً منعکس است. البته هنوز تا وضعیتی که برای هر فرد طالب علم - به هر دلیل - راهی برای تحقق این امر باشد، فاصله داریم. حال فرض کنید، همه کسانی که می‌خواهند بتوانند مثلاً 'لیسانس' بگیرند. این امر برای توسعه کشور چه اهمیتی دارد؟ آیا باعث جهش در 'مدار توسعه یافتگی' می‌شود؟ آیا با این سطح سواد همگانی می‌توانیم از وضعیتی پایتیر به مداری بالاتر در توسعه یافتگی جهش کنیم؟ من در این امر تردید جدی دارم! زیرا برای سیاستمدار، اهداف اصلی توسعه عبارت‌اند از: اول، تأمین امنیت و دفاع مورد نیاز برای نگهداری حکومت؛ دوم، تأمین نیازهای اساسی زندگی مردم؛ سوم، نیل به جایگاهی که مملکت باید در مجموعه جهانی داشته باشد (هدف ملی). سریعترین و کم‌خرج‌ترین راه، مسلماً خط برنامه‌های توسعه را در سر به سوی این اهداف روشن می‌کند. لذا هیچ‌کس نمی‌خواهد کشوری دفاع باشد و در عوض همه مردم لیسانس باشند، ویا ملت 'گدا' و فقیر باشد در حالی که غالب افراد تحصیلات عالی داشته باشند!

۳. با توجه به چنین مسائلی است که می‌توانیم برای استراتژی توسعه علمی کشور در برنامه دوم توسعه، مسیری نوپرزیشیم. توسعه علمی در کشور باید حول دو محور عمده صورت گیرد:

- محور اول: توسعه عمومی علم، که هدف آن ایجاد امکانات برای هر فردی است که بخواهد سطح دانش خود را بالا ببرد؛



مکتب‌های فیزیک نظری و ریاضیات



سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۲، شماره مسلسل ۶

در این شماره

گزارشی از وضعیت علوم ریاضی در ایران
ارزیابی تحقیقات علمی ایران در سطح جهان
سیستمهای دینامیکی، نظریه اندازه، و برخالها
آنچه گذشت
شبکه در اخبار
با هسته‌های تحقیقاتی مرکز
انتشارات مرکز
برنامه‌های فصل
گزارشی از کتابخانه مرکز

حرف آخر در باره قضیه آخر فرما

استعدادهای پرورش یافته (نیروی زبده علمی). باید توجه داشته باشیم که محیط کاری معمولی برای نیروی زبده می‌تواند سم مهلک باشد! و از سوی دیگر نوع کاری که نیروی زبده باید بکند خود مسائل متنوعی را به دنبال دارد که همه اینها نیازمند طراحی و ایجاد مکانیزمهای لازم است. محیط علمی-کاری مورد اشاره در بالا از لحاظ کیفیت و امکانات می‌تواند قابل مقایسه با هیچ یک از مراکز علمی کشور نباشد! اما این 'جزیره' زبندگان، بر مبنای نیاز، گروه و یا باند خاصی استوار نیست بلکه فقط 'علمیت' مجوز ورود را می‌دهد. لذا نباید در آن اثری از تبعیض و یا نخبه‌گرایی باشد. آری چنین مرکزی در کشور ممکن است منحصر به فرد باشد، اما در پرتو آن به روی هر که می‌داند و می‌خواهد و می‌تواند بگذرد. لذا صرف بودجه و امکانات در چنین قطبهایی مسئله‌ای منطقه‌ای نیست اگرچه می‌تواند آثار منطقه‌ای در کشور داشته باشد.

برای تحقق چنین ایده‌هایی باید در نظام ارزشیابی و به‌کارگیری تحصیل‌کرده‌ها تجدید نظر کنیم: امروز هر کس از هر کجا 'لیسانس' داشته باشد، برای نظام یک معنی می‌دهد! در حالی که مراکز علمی متفاوت باید ارزشهای علمی متفاوتی را القاکند و این امر خود باعث تحرک مراکز خواهد شد.

خلاصه کلام اینکه: ایران اسلامی می‌تواند و باید به یک کشور آباد و پیشرفته و قوی مبدل شود و در این راه 'زبندگان علمی' نقشی اساسی دارند و برای ایفای این نقش، اندیشه‌های نوینی در سیاستها و جهادی برای ارتقای کیفیت علمی ضروری است.

و من الله التوفیق و علیہ التکلان

• محور دوم: توسعه هدف‌دار علم، برای تربیت یک گروه زبده و 'خط شکن' که بتوانند با ایجاد جهشهای لازم و مورد نیاز در زمینه‌های حساب شده، مدار توسعه کشور را به جلو منتقل کنند. دولت باید امکانات خود را در هر دو زمینه بکار گیرد، اما اولویت باید با زمینه دوم باشد و این ویژگی جدید در سرلوحه برنامه دوم توسعه ما قرار گیرد.

در مورد اول، معتقدم علاوه بر سرمایه‌گذاری نظام در تأسیس دانشگاهها و مراکز آموزشی، باید برای تأسیس مراکز غیر دولتی زمینه‌های تشویقی لازم را ایجاد کرد، به‌نحوی که یار قابل توجهی از این برنامه روی دوش آنان قرار گیرد. اما در مورد محور دوم، یعنی توسعه هدف‌دار علم، دولت باید بار اصلی را به‌عهده داشته باشد و بودجه کلان صرف نماید.

۴. مقصود از تربیت یک گروه زبده و خط شکن علمی چیست؟ مسلماً نباید این را با قدرت گرفتن یک شخصیت نخبه انحصار طلب و خود محور اشتباه کرد: بدون شک، تبعیض و ترجیح غیر علمی و صرفاً 'باندی'، آفتی خطرناک در این راه است. بلکه مقصود این است که امکانات برای دو امر مهم زیر مهیا شود:

• استعدادهای جوان کشور، بدون هیچ‌گونه تبعیض و با ترجیح غیر علمی، یا چشمان تیزبین دلسوختگان کشور شناسایی شوند و از سالهای آخر دوره متوسطه تحت پوشش ویژه علمی قرار گیرند و به موازات پیشرفت، در مراکز کاملاً مجهز و پیشرفته کشور جذب شوند. لذا تأسیس مراکزی به عنوان قطبهای ویژه علمی، با صرف بودجه کلان و سایر امکانات ویژه به همراه نظامی مبتنی بر رقابت دقیق علمی، ضروری است.

• ایجاد زمینه کاری متناسب با اهداف برنامه، و جهشهای مورد نیاز برای

معرفی نشانه جدید مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات

از قدیمیترین نظریه‌های انسان در باب نگرش به جهان هستی،

• دو دایره طرفین نشانه، همانند دو بازو، نماینده فیزیک و ریاضیات و حالت چرخش و اتصال آنها به چهار ضلعی مرکزی علامت بینهایت را به‌وجود آورده است. این اتصال، نماینده کوشش انسان در شناخت جهان هستی از گذشته بسیار دور تا بینهایت در آینده است.

توضیح اخبار: چنانکه در طرح زیر دیده می‌شود، بخش مرکزی نشانه سه حرف IPM را که نام اختصاری مرکز به زبان انگلیسی است، در خود نهفته دارد.

نشانه جدید مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات در جلسه‌ای با حضور ریاست و اعضای شورای علمی مرکز در تاریخ ۲۲/۱/۲۶ به تصویب رسید. طراح اثر، آقای اسداللهی، این نشانه را چنین معرفی کرده است: "نشانه جدید مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات در رده‌بندی نشانه‌ها، در گروه نشانه‌های تصویری قرار می‌گیرد که بخشهای مختلف آن به شرح زیر در کار طراحی مورد نظر بوده است:



• دایره مرکزی نشانه، نماینده عدد صفر و مرکز تحقیقات،

• چهار ضلعی مرکز نشانه، اشاره‌ای به نقش گردونه مهر به‌عنوان یکی

